

ملاحظات‌ی در موضوع پیشگیری از وقوع جرم

دکتر حسین میرمحمد صادقی*

چکیده

پدیده جرم امروزه به یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری تبدیل شده است. جرم نه تنها به قربانیان مستقیم خود بلکه به سایر افراد جامعه نیز زیان وارد می‌سازد. اغلب قربانیان جرم اشخاص آسیب‌پذیر می‌باشند که هرگونه اقدام برای پیشگیری از وقوع جرم بیش از همه به نفع این گروه‌ها می‌باشد. در این مقاله شیوه‌های «مدیریت کردن خطر جرم» برای تقلیل موقعیتهایی که می‌تواند مجرم را قادر به ارتکاب جرم سازد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این شیوه‌ها برای موفقیت در اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در سه سطح فردی، جمعی و ملی قابل اجرا می‌باشند که نمونه‌های آن در مقاله حاضر مورد اشاره قرار گرفته است. در ادامه پیشنهادهایی برای اجرایی کردن بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، که وظیفه پیشگیری از وقوع جرم را برعهده قوه قضاییه گذاشته است، ارائه شده و با ذکر نمونه‌هایی توجه فقه اسلامی به امر پیشگیری از وقوع جرم مورد اشاره قرار گرفته است.

*. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و رئیس دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

NOTES ON CRIME PREVENTION

Dr. H.M.M. SADEGHI

Abstract

Crime has now become one of the major problems of human society. According to the report of the Secretariat of the United Nations, the annual growth rate of crime throughout the world amounts to five percent which is more than population growth and also exceeds economic growth of most countries of the world.

Crime affects not only its direct victims but also the community at large. People are threatened both by the sense of insecurity which they feel when witnessing crime increase, and by the more direct harm of, e.g., having to buy goods at higher prices due to the occurrence of shopliftings, and paying higher insurance premiums for their cars and homes due to thefts taking place in the community.

It is perhaps not realistic to think of eliminating crime in the society completely. The most one can do is to reduce and control crime by predicting, recognizing and assessing the risk of crime and by taking steps to reduce it. This process is sometimes referred to as "crime risk management", which is mainly concerned with opportunity reduction.

This article deals with the issue of prevention of crime and gives suggestions for steps which should be taken in this respect at various levels in order to have a safer society to live in.

پدیده جرم امروزه به یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری تبدیل شده است. طبق گزارش دبیرخانه سازمان ملل متحد، میزان رشد سالانه جرایم گزارش شده به پنج درصد بالغ می‌گردد که از رشد جمعیت و نیز از رشد اقتصادی اکثر کشورهای جهان بیشتر است.^۱

جرم نه تنها به قربانیان مستقیم آن صدمه وارد می‌کند، بلکه سایر افراد جامعه نیز از آن متضرر می‌گردند. علاوه بر احساس ناامنی که برای سایر افراد جامعه از مشاهده وقوع جرایم حاصل می‌گردد، صدمات مستقیم‌تری نیز به آنها وارد می‌شود. برای مثال گفته شده است که هرگاه دزدی از مغازه‌ها صورت نمی‌گرفت، کالاهای آنها چیزی تا حد پنج درصد پایین‌تر از قیمت‌های فعلی به مشتریان عرضه می‌شدند. همین‌طور هرگاه شرکت‌های بیمه ملزم به پرداخت خسارات زیاد به قربانیان جرایم مالی نمی‌شدند حق بیمه‌های دریافتی آنها از بیمه‌گزاران بسیار کمتر از آن چیزی بود که در حال حاضر دریافت می‌کنند.^۲ حتی برخی تا آنجا پیش رفته‌اند که همه هزینه‌های گزافی را که مردم برای حفاظت از اموال خود، از طرقی مثل قفل کردن درها و گاوصندوقها و نصب دزدگیر و غیره، متحمل می‌شوند در واقع هزینه‌های تحمیل شده از سوی مجرمان مالی به افراد جامعه دانسته‌اند. بنابراین، به طور خلاصه جرم تنها بر قربانیان مستقیم آن تأثیر گذار نمی‌باشد بلکه بر کل جامعه اثرگذار است.

توجه به این نکته نیز جالب است که جرم بیشترین قربانیان مستقیم و غیرمستقیم خود را از میان افراد آسیب‌پذیر، چه از نظر جنسیت، چه از

۱. Doc. A/Conf. 144/6.

۲. حسین میرمحمد صادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت (تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۷۹)، ص ۲۰.

لحاظ سن و چه از نظر وضعیت مالی، برمی‌گزینند و بدین ترتیب دیگر نمی‌توان این فرضیه را که جرم در واقع انتقام‌گیری فقرا از ثروتمندان است پذیرفت بلکه، برعکس، بیشترین قربانی جرایم را همان طبقات آسیب‌پذیر و از جمله فقیران تشکیل می‌دهند^۳ و پیشگیری از وقوع این پدیده بیش از همه به نفع همین طبقات می‌باشد.

حال سؤال قابل طرح این است که آیا می‌توان مشکل جرم را به طور کامل حل کرد و قادر به ایجاد جامعه‌ای مبری از جرم شد؟ پاسخ احتمالاً منفی است. تا قبل از رسیدن به یک مدینه فاضله امکان‌هایی یافتن کسامل از جرم وجود ندارد. پس حداکثر کاری که می‌توان و باید انجام داد پیشگیری نسبی و به عبارت دیگر تقلیل جرم و کنترل آن است. منظور ما از پیشگیری انجام اقداماتی است که موقعیت و امکان ارتکاب جرم را کاهش داده و بدین ترتیب مثل واکنش عمل می‌کند و نه شبیه معالجه پس از بیماری. پس می‌توان تعریف زیر را از پیشگیری ارائه کرد: «پیش‌بینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن»، که گاهی از این روند تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم»^۴ نام برده می‌شود. این مدیریت مشتمل بر موارد زیر است:

۱- از بین بردن کامل برخی از خطرات؛

۲- تقلیل برخی از خطرات با کاستن از دامنه خسارت؛

3. Maureen Cain "Orientalism, Occidentalism and the Sociology of Crime", G. Garland and R. Spars (ed.) *Criminology and Social Theory* (Oxford University Press, 2001), pp. 71-101 at p. 78.

4. Crime risk management.

- ۳- تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی، مثل نصب تلویزیونهای مدار بسته یا افزایش تعداد افراد پلیس و نظایر آنها، جهت ترساندن و بازداشتن مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم؛
- ۴- انتقال برخی از خطرات به وسایلی مثل تسهیل بیمه و نظایر آن؛
- ۵- پذیرفتن برخی از خطرات که اجتناب ناپذیر بوده و یا رفع آنها هزینه‌های غیر قابل تحملی را تحمیل می‌نماید.

به طور کلی می‌توان گفت که پیشگیری از وقوع جرم با «تقلیل موقعیتها»^۵ سر و کار دارد. توضیح آن که سه پیش شرط برای ارتکاب جرم ضروری است. اول، میل یا انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم؛ دوم، مهارت و ابزار لازم برای ارتکاب آن و سوم وجود موقعیت. مبارزه با پیش شرطهای اول و دوم در عمل تقریباً غیرممکن است. در مورد اولی، همه مجرمین بالقوه شناخته شده نیستند تا میل و انگیزه آنها نسبت به ارتکاب جرم قابل سرکوب شدن باشد، ضمن آن که ما شیوه مناسبی را برای این سرکوبی، با حفظ موازین حقوق بشر، سراغ نداریم. پس حداکثر شاید بتوانیم در این مورد بر روی مجرمینی که قبلاً مرتکب جرم شده و دستگیر شده‌اند کار کنیم که آن هم معلوم نیست چقدر مؤثر بوده و با مبانی حقوق بشر سازگار باشد، چرا که تصحیح برخی از خلق و خویهای مجرمانه ممکن است با نقض موازین حقوق بشر همراه باشد. مبارزه با عامل دوم هم غیر عملی است. آنقدر ابزار متفاوتی در ارتکاب جرایم به کار می‌روند که ممنوع کردن همه آنها غیرممکن و باعث تعطیلی بسیاری از فعالیتهای مشروع خواهد شد. بدین ترتیب عملی‌ترین برخورد تقلیل

5. Opportunity reduction.

موقعیتها است، یعنی باید به گونه‌ای عمل کرد که، بدون شناخت مجرمان بالقوه و اثرگذاری مستقیم بر روی میل و انگیزه آنان، موقعیتهای ارتکاب جرم برای مجرمین تقلیل یابد. قربانیان بالقوه جرم می‌توانند با انجام اقداماتی خود را در مقابل جرم مصون دارند، مثلاً تشویق شوند که پول نقد زیاد همراه خود نداشته باشند و به جای آن از چک یا کارتهای اعتباری استفاده کنند. همین طور ما می‌توانیم با انجام اقداماتی مثل بازرسی مسافران هوایما و به کارگیری افراد مسلح در هوایما امکان هوایماربایی را از هوایماربایان بالقوه سلب کنیم.

با اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرم در شهر و روستا شاهد کاهش تعداد جرایم خواهیم بود. این برنامه‌ها باید توسط مرکز یا سازمانی که مسؤول امر پیشگیری است اجرا شود. در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران این امر برعهده قوه قضائیه گذاشته شده است، لیکن اجرای درست این وظیفه نیازمند ملزم بودن سایر دستگاهها به همکاری با قوه قضائیه است که آن هم، به نوبه خود، نیازمند وضع یک قانون عادی در مجلس شورای اسلامی برای اجرایی کردن بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی است.

بدین ترتیب، بدون وجود یک قانون عادی، که ابعاد و شیوه‌های اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ را تبیین نماید، نمی‌توان به اجرای درست این بند امیدوار بود و شاید یکی از علل عدم موفقیت در اجرای این بند طی این سالها هم همین بوده است.

برنامه‌های پیشگیری از جرم باید در سه سطح انجام گیرد. اول در سطح فردی، یعنی آنچه که هر شخص حقیقی یا حقوقی باید با رعایت آنها موقعیت ارتکاب جرم از سوی مجرمین بالقوه را تقلیل دهد. دوم، در سطح

جمعی، مثلاً آنچه که اهالی یک محله یا کسبه یک پاساژ ملزم به رعایت آن هستند، و بالاخره در سطح ملی، یعنی آنچه که بخش‌های دولتی مثلاً بخش‌داریها، شهرداریها، فرمانداریها، استانداریها، وزارتخانه‌ها و غیره باید در محدوده وظایف خود نسبت به آن اقدام کنند. برای مثال، بانکها می‌توانند در مواردی مثل پیشگیری از صدور چکهای بلامحل یا جعل چک یا اعتبارات اسنادی و نظایر آنها، و وزارت بازرگانی در مواردی مثل تقلیل سرقت از محموله‌های تجاری و جرایم تجاری، و سازمانهای مرتبط با امور هوپیمایی و کشتیرانی در مورد تقلیل جرایم ارتكابی علیه امنیت هوپیمایها و کشتی‌ها و نظایر آنها، اقدامات مناسب و شایسته‌ای را در راستای پیشگیری از وقوع جرم انجام دهند. بدین ترتیب پیشگیری در واقع بخشی از وظیفه همه نهادهای دولتی است.

استراتژیهای مورد استفاده

برای رسیدن به هدف پیشگیری از جرم می‌توان از استراتژیهای به شرح زیر استفاده کرد. آگاهی دادن به مردم نسبت به جرایم و شیوه‌های اتخاذی مجرمین، توصیه‌ها و آموزشهای لازم برای گروههای خاص، پیش‌بینی طرحها و پروژه‌های گروهی، تغییر محیط (مثلاً روشن‌تر کردن خیابانها)، تشویق و مساعدت به شرکتهای خصوصی جهت تولید و عرضه تجهیزات ایمنی با قیمت‌های مناسب‌تر، پیش‌بینی راههایی برای افشای کارهایی که پنهانی بودن آنها زمینه ارتكاب جرم را فراهم می‌سازد. برای مثال چندی پیش در گزارشی راجع به شهرداری سئول پایتخت کره جنوبی ذکر شده بود که با توجه به وجود ارتشاء در شهرداری مذکور، تصمیم

گرفته شده است که کل روند پرونده‌های شهرداری از لحظه شروع تا زمان اختتام بر روی شبکه اینترنت قرار گیرد و بدین ترتیب هرگونه تأخیر یا تعجیل غیرمعمول، که می‌تواند نشانگر وجود فساد باشد، کاملاً قابل مشاهده و بازرسی بوده و در نتیجه کارمندان خاطی از رشوه‌گیری می‌هراسند.

تشویق مردم به گزارش موارد مشکوک به پلیس و نیروهای انتظامی نیز جهت پیشگیری از وقوع جرم بسیار مهم بوده و البته مستلزم وجود رابطه سالم، دوستانه و مبتنی بر اعتماد بین پلیس و مردم است، به طوری که مردم با میل و رغبت اطلاعات خود را در اختیار مراجع انتظامی قرار دهند، که نمونه‌ای از این همکاری صمیمانه را در مورد گروهکها در سالهای اولیه پیروزی انقلاب شاهد بودیم. حتی در برخی از کشورها اشخاصی، مثل مدیران بانکها یا شرکتها، ملزم به گزارش جرایم ارتكابی، مثل اختلاس یا کلاهبرداری، در مؤسسه تحت نظر خود می‌باشند و در صورت عدم انجام این کار خود مرتکب جرم می‌شوند. شبیه این موضوع در ماده ۶۰۶ قساوان تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده است، که به موجب آن:

«هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسؤولین سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مسورد به مراجع صلاحیتدار قضایی یا اداری اعلام ننماید، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال، به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد».

لیکن، با توجه به عدم پیش‌بینی چنین وظیفه‌ای برای مردم عادی، و با توجه به این که در بسیاری از مواقع تنها راه کشف جرم و برخورد با

مجرمین، که خود می‌تواند به منزله پیشگیری از جرایم بعدی آنها باشد، دریافت گزارشهای مردمی است، باید، با ایجاد رابطه صمیمانه بین پلیس و مردم، آنها را به گزارش موارد مشکوک به پلیس ترغیب کرد. در این زمینه آنچه که در برخی از کشورهای دیگر انجام شده و موفقیت‌آمیز بوده است توصیه می‌شود، یعنی بازسازی فیلم جرایم سنگین ارتکاب یافته و کمک خواستن از مردم جهت شناسایی مجرمین با پخش فیلم ساخته شده در تلویزیون، و احیاناً پیش‌بینی جوایزی برای کسانی که اطلاعات آنان موجب دستگیری مجرمین شود.

بدیهی است اجرای درست برنامه‌های پیشگیرانه نیازمند وجود افراد متخصص در امر پیشگیری می‌باشد. برای مثال باید در ادارات پلیس، که در حال حاضر بیشتر به اموری چون دستگیری مجرمین و بازجویی از آنها می‌پردازند، افراد و مأمورانی وجود داشته باشند که، ضمن دیدن آموزشهای لازم، به اقدامات پیشگیرانه مشغول باشند. گفته می‌شود در ایالات متحده امریکا، که رشد اقدامات پیشگیرانه در آن بسیار چشمگیر بوده است، در ۸۵ درصد از شهرها متخصصان امر پیشگیری در میان مأموران پلیس وجود دارند که فعالیت شغلی آنها تنها به این مسأله مربوط می‌شود.

متخصصان امر پیشگیری باید اقدامات فردی و جمعی مردم را در امر پیشگیری هدایت نموده و به ارائه رهنمودهای لازم بپردازند. این افراد متخصص می‌توانند جزوات راهنما یا تابلوهایی را که برای امر پیشگیری از وقوع جرم تهیه شده‌اند در اختیار مردم قرار داده یا در اماکن عمومی نصب کنند و یا با بازدید از منازل یا مراکز تجاری رهنمودهای لازم را جهت امر پیشگیری و از جمله در مورد اقدامات ایمنی لازم ارائه نمایند و یا با تشکیل

آنچه که به نام «نظارت همسایگان» (Neighborhood Watch) شناخته شده است اقدامات جمعی مردم را در کمک به نهادهای مربوطه در کشف جرم یا رسیدگی به موارد مشکوک هماهنگ نمایند.

مورد اخیرالذکر امروزه در کشورهای مختلف دنیا نقش مهمی را در امر پیشگیری از وقوع جرم ایفا می‌نماید. حتی اگر گذری در شبکه جهانی اینترنت داشته باشید جزوات خبری (Newsletter) برخی از این مجامع، مشتمل بر شرح گوشه‌ای از فعالیتهای آنها، را می‌توانید بیابید. نکته قابل ذکر این که در برخی از کشورها نهادهای غیردولتی در ایجاد چنین مجامعی نقش داشته‌اند، برای مثال در جاهایی مثل ترینیداد و توباگو اتاقهای بازرگانی محلی نقش مهم و اساسی را در این زمینه برعهده داشته‌اند و بدین ترتیب همه مردم را در امر مبارزه با جرم بسیج کرده‌اند.

بدیهی است در امر پیشگیری باید به سیاستهای ملی توجه داشت و نمی‌توان به سیاستهای منطقه‌ای یا محلی بسنده کرد. برای مثال، هرگاه موضوع امنیت پروازها به عهده شرکتهای هواپیمایی خاص گذاشته شده یا موضوع ایمن‌سازی ساختمانها تنها امری مربوط به معماران و پیمانکاران خاص دانسته شود، طبیعاً نتیجه مطلوبی حاصل نخواهد شد. مرکز یا سازمان ملی که به امر پیشگیری از وقوع جرم می‌پردازد می‌تواند فعالیتهای منطقه‌ای مأموران مربوطه را، با ارائه راهنماییهای مکتوب و برگزاری همایشها و دوره‌های آموزشی لازم و نظایر آنها، هماهنگ نموده و پیشنهاد تصویب قوانین لازم را در امر پیشگیری ارائه نماید. باید اضافه نمود که گاهی حتی اقدامات ملی نیز وافی به مقصود نبوده و انجام اقدامات بین‌المللی ضروری است، چرا که مجرمین جدید مرزهای بین کشورها را به رسمیت

نمی‌شناسند و از همین مرزها و تفاوتها هم جهت نیل به اهداف خود استفاده می‌کنند. برای مثال، بدون همکاری کامل بین کشورهای تولیدکننده، ترانزیت‌کننده و مصرف‌کننده مواد مخدر مبارزه کامل با جرایمی چون اعتیاد، قاچاق مواد مخدر و تطهیر اموال و درآمدهای ناشی از قاچاق مواد مخدر در هیچ یک از این سه دسته از کشورها امکان‌پذیر نخواهد بود.

در اینجا اشاره به این نکته ضروری است که فقه اسلامی با پیش‌بینی مواردی چون شرط «حرز» برای مستوجب حد شدن سرقت، منع استعمال مواد الکلی (که امروزه منشأ ارتکاب بسیاری از جرایم در کشورهای مختلف می‌باشد)، لزوم حفظ حجاب و تشویق به ازدواج (جهت کنترل و تقلیل جرایم جنسی) و نظایر آنها به مسأله پیشگیری توجه نشان داده است. در پایان باید گفت که نهادهای کشور موضوع قانون‌مندی در کشور به گونه‌ای که مردم علاوه بر این که خود را ملزم به رعایت قوانین می‌دانند، عدم رعایت قوانین را از سوی دیگران نیز برنتافته و با تذکر زبانی و یا با گزارش امر به مقامات مسؤول جهت مبارزه با قانون‌شکنی اقدام نمایند می‌تواند در امر پیشگیری از وقوع جرم بسیار مؤثر افتد.^۶ در غیر این صورت، معضل جرم قطعاً در سالهای آینده بیشتر و بیشتر خواهد شد و نمی‌توان امیدوار بود که با افزودن بر تعداد افراد پلیس یا قضات رسیدگی‌کننده به جرایم از تعداد جرایم کاسته شود. /م

۶. در این مورد نگاه کنید به: مقاله اینجانب تحت عنوان «توسعه قضایی» در نشریه دادرسی، شماره ۲۱، مورخ مرداد و شهریور ۱۳۷۹.